

به نام خدا



ماہنامہ پیکلام

زندگی نامه حمید مصدق (شاعر)

مقدمه :

وقتی بخواهی از یک شاعر حرف بزنی ، یک چیز است و هنگامی که بخواهی درباره یک شاعر یا کتاب سخن بگویی ، یک چیز دیگر ، اگر از شاعر سخن می گویی ناچاراً یا در تاریخ بگذاری ! آن وقت به تاریخ ادبیات می رسی ! حالا باید از زندگی شاعر بگویی ، از شرایط اجتماعی و سیاسی اش از اینکه چه چیز را دوست داشته و از چه چیز بدش می آمده ، کی به دنیا آمده و کی از دنیا رفته یا نرفته ، تحصیلاتش چه بوده ، به کجاها سفر کرده یا نکرده ، از خانواده اش و خلاصه هر چیزی که مربوط به زندگی او می شود ایمن خند اما چه فایده ای برای شناخت شعرش دارد . البته می تواند سایه روشن هایی ایجاد کند و شان نزول برخی شعر تاریخی است . خیلی خوب است ما را با شاعر آشنا می سازد ، ها را تعیین نماید و گهگاه کلیدی برای ورود به متن بدهد . بیش از این کار دیگری از آن بر نمی آید .

اگر بخواهی درباره شعر یا اثری سخن بگویی می توانی شاعر و موثر را حاضر و ناظر بینداری و دانما او را در تاویل و تفسیر دخالت بدهی یعنی از زندگی اش و تاریخش برای تاویل و تفسیر و ادراک سود ببری و نیز می توانی از بنیاد ، شاعر و موثر را حذف کنی و تنها آن شعر را اثر را یک پدیده مستقل عینی در برابر خود ببینی و به همان روی کنی و هر چیز دیگر را نادیده بگیری ، یعنی می توانی فقط گوش کنی که متن چه می گوید ، نه اینکه شاعر و موثر چه می گوید . اینجا دیگر شاعر و هنرمند نیست که اثرش را برای تو تاویل و تفسیر می کند و توضیح می دهد ، بلکه برعکس ، این خود متن است که خودش را توضیح می دهد و شاید هم این تو باشی که متن را توضیح می دهی نه متن و نه شاعر و او از دست این سه نفر ، شاعر و متن و خواننده که چقدر هم با هم کلنجار می روند بالاخره اینها سه بعد ابیات هستند و باید مقداری با هم آشتی کنند نمی توانند تا ابد از هم جدا باشند !

و گر نه تکلیف چیست؟

چرا به زندگی شاعر و نویسنده می پردازیم ؟

زندگی یک شاعر و نویسنده یکی از عوامل بیرونی است که در آثار او تاثیر خود را آگاه یا ناخود آگاه بر جای می گذارد و تا حدی زیادی بر بسیاری از کارهای وی پرتوی می افکند . اگر چه امروزه در برخی نظریه های ادبی ، مساله «مرگ نویسنده» مطرح می شود و به طور کامل او را از اثر جدا می کنند تا به طور مستقل به خود متن بپردازد ؛ اما واقعیت این است که متن و جهان خارج با یکدیگر روابط ارگانیک و مستقیم دارند . مثلاً اگر قرار بود «جنگ و صلح» به جای تولستوی به وسیله ی داستایوسکی نوشته شود آیا باز هم همین بود که همینک است . اگر قرار بود مثنوی را به جای مولوی فرخی بسراید آیا باز هم همین بود که امروز هست . بدون تردید چنین امری منتقی است . امکان بررسی اثر را بدون مولف نمی توان کرد اما هیچ دلیلی نیز وجود ندارد که بتواند اثبات کند که شناخت مولف در درک اثر او روشنگر نیست . همان گونه که مولف تنیده در اختیار هـا و محدودیت ها تنیده است . اینجا است که به واقع بررسی تاریخ ادبی برای شناخت کیفیت پدید آمدن اثر او و نیز برای درک برخی یا بسیاری از مفاهیم نهفته در اثر مفید شغل ، روحیات و ... همه چیز هایی هستند که در اثر یک شاعر و نویسنده و در سبک او متجلی می شوند . از این است . خانواده ، تربیت ، جامعه ، فرهنگ و تاریخ ، تحصیلات ، نظر گاه است که به زندگی شاعر و نویسنده می پردازیم .

کودکی مصدق :

حمید مصدق فرزند حاج عبدالحسین مصدق در بهمن ماه سال ۱۳۱۸ در شهرضا از توابع اصفهان به دنیا آمد . بعد ها به همراه خانواده اش به اصفهان نقل مکان کردند او در اصفهان به هر حال مرکزیت استان را داشت و دوران تحصیلات ابتدایی و متوسط را در اصفهان گذرانده . آقای محمد حقوقی که از دوستان کهن مصدق هستند می گویند : « یک خانواده اگر متوسط یا بالا بود در ده که نمی مانند به شهر مرکزی می آمدند . پدرش اگر اشتباه نکنم کسی داشته در حد تجارت . وضع مالیشان خوب بود و هیچ و قسرت نکرانی مالی به آن معنا نداشتند فقط یک گرفتاری داشتند و این بود که مصدق یک برادر داشت که تقریباً یک سال با هم تفاوت سنی داشتند . و این برادر یک نقص عضوی اگر چه هیچ وقت راجع به این قضیه صحبت نکرد . برادرش کر و لال بود ... البته گاهی هم به خانه اش می آمد . اینها در داشت و از این رو روی مصدق خیلی اثر گذاشت ، بچگی هر دو تاشان مرض آبله می گیرند . او گرفتار می شود و روی قوای ذهنی اش اثر می گذارد و مصدق این وسط سالم می ماند همیشه می گفت: « اگر من جای او بودم چه می شد؟»

خانواده ی پدر مصدق در اصفهان نیز زندگی مرفهی داشتند باز هم جناب آقای حقوقی سخانشان را در این مورد ادامه می دهد:

اینها در اصفهان یک خانه ی قدیمی داشتند که خیلی قشنگ بود ، از این خانه هایی که پاگرد دارد با شیشه های رنگی قدیمی و ...

در امور گوناگون به عهده داشت .

دور ان نوجوانی مصدق :

جناب استاد رضا خشکفای - پدر خانم مصدق - نیز با اشاره به این امر درباره رفتار و اخلاق و مهمان نوازی خانوادگی پدر حمید مصدق گفته اند که یک وقت ، زمانی که حمید مصدق با خانواده به اصفهان می رفت ما را هم دعوت کرده بودند و بنا بر این به اتفاق ، « ما هم با ایشان به اصفهان به خانه ایشان رفتیم . خانه بزرگی بود رفتیم و دیدیم پدرشان تماما دور تا اجازه بدهید همه جا روشن باشد ما هیچ وقت چراغ مهمان داریم ، دور آن حیاط را و برق های تمام اتاقشان را روشن کردند. من آمدم خاموش کنم ، ایشان آمدند و گفتند نه عزیزم ، اما وقتی مهمان عزیزی بیاید همه جا را روشن میکنیم . اضافه روشن نمی کنیم ،

حمید مصدق در چنین خانواده ای ، جوانی پر شور و فعال و عاطفی بار می آید . آقای محمد حقوقی در باره فعالیت های دوران دبیرستانی او می گوید:

« من در سال ۳۱ به دبیرستان رفتم و مصدق هم از سال ۳۴ به همان دبیرستان آمد و در هر حال من تا ۳۶ فارغ التحصیل شدم و عقب افتادم و مصدق هم در سال ۳۸ فارغ التحصیل هوشنگ گلشیری بود . این مدرسه انجمن های مختلفی داشت شد . در آن دبیرستان ما چند تا چهره ی شاخص داشتیم که الان همه از مشاهیرند . بهرام صلاقی بود ، منوچهر بدیعی بود ، و ریس انجمن ادبی من بودم . ریس کتابخانه هم همین مصدق بود و ما هفت تا هشت تا با هم ارتباط نزدیک داشتیم منتها ما همه از ، انجمن کتاب داشت ، انجمن نمایش و انجمن ادبی ، مصدق جلو تر بودیم .

آقای دکتر صنعتی درباره دوران تحصیل و آشنایی شان می گوید : یکی دیگر از دوستان قدیمی مصدق ،

«تاریخ دقیق این آشنا شدن با کشتی دو قسمت است یک قسمت از آنجایی است که آدم با یک نفر آشنا می شود و یک قسمت دیگر جایی است که آدم با او رفیق می شود . حالا در مورد شاعران و نویسندگان و فرادی از این قبیل ، یک جای آشنایی همانجا است که آدم با کار ها ایشان آشنا می شود. به هر حال مصدق و حقوقی و گلشیری و بسیاری از این نویسندگان معاصر ما اهل اصفهان هستند. بنده هم اهل اصفهان هستم ، این خودش می تواند یکی از دلایلی باشد که با هم آشنا شدیم . تعدادی از ما در یک مدرسه بودیم تعدادی به مدرسه «ادب» می رفتند بیشترینشان به دبیرستان سعدی می رفتند. فکر می کنم مصدق به دبیرستان «ادب» می رفت . وقتی که من در سیکل دوم دبیرستان بودم آقای حقوقی دبیر ادبیات من بود من یک نسل عقبتر از آنها هستم و حمید هم که آن انجمن «صائب» را درست کرده بود از آنجا با هم آشنایی داشتیم بخصوص که در آن زمان این تفاوت های سنی خیلی بیشتر خودش را نشان می داد»

پس از پایان دوره ی دبیرستان ، مصدق در سال ۳۸ در رشته بازرگانی در تهران پذیرفته شد و پس از آن نیز در رشته حقوق ادامه تحصیل داد.

وقتی از اصفهان برای تحصیل به تهران آمده بود « یک خانه دانشجویی در امیر آباد جنوبی داشت و آنجا زندگی می کرد.

ویژگی های اخلاقی :

دوست بازی او بود و همواره چه به صورت انجمن و چه به صورت های دیگر تلاش می کرد که دوستان را دور هم جمع کند و با هم نشست داشته یکی از خصلت های بسیار بارز مصدق ، باشند در واقع او یک روحیه ی کاملا اجتماعی داشت و همواره از انزوا می گریخت. آقای حقوقی در این زمینه می گوید :

« ما همدیگر را گاهی می دیدیم بیشتر او به خانه ما می آمد . منتها مصدق خیلی زودتر از ما خودش را وارد اجتماع کرد»

آقای دکتر صنعتی نیز درباره آشنایی بیشترشان در یک فعالیت هنری چنین می گوید «وقتی من آمدم تهران ایشان رشته حقوق می خواند و من رشته پزشکی بودم . آشنایی اصلی ما یک محمد علی منوچهر محجوبی هم بود ، تعدادی از ما ها را در هم جمع کرد که یک کار تلویزیونی مشترک انجام دهیم. در آن جلسه غیر از حمید کار تلویزیونی شروع شد . دوستی مشترک ، از آنجا بود که آشنایی من با حمید مصدق شروع شد . فکر می کنم حدود سالهای ۴۴ و ۴۵ بود. کشاورز هم بود ،

این امر که وی با دیگران به راحتی ارتباط بر قرار می کرد و خصلت اجتماعی داشت به طور طبیعی در شغل وکالت وی نیز تاثیر می گذاشت و می توانست او را به صورت یک وکیل موفق نشان دهد به همین دلیل وی وکالت بسیاری از نویسندگان و شاعران را

تحصیل ، شغل و سبک شعری مصدق :

علاوه بر جنبه عاشقانه ، جهت گیری سیاسی نیز دارد ، هر چند که گویا به طور مستقیم هرگز فعالیت سیاسی آشکاری نداشته است . البته اگر کار سیاسی را می دانیم که شعر مصدق ، پیوستن به یک حزب بدانیم چنین چیزی در زندگی مصدق نبوده است . اما کار سیاسی می تواند شکل های دیگر نیز داشته باشد .

شغل تدریس و وکالت مصدق در واقع پس از سال ۱۳۵۰ آغاز می شود . وی پس از اخذ درجه لیسانس ، در سال ۱۳۵۰ نیز از دانشگاه تهران به درجه فوق لیسانس حقوقی نائل می گردد. و از این پس با سمت استاد باری در مدرسه عالی مدیریت کرمان به تدریس می پردازد و به گفته استاد رضا خشکفای - پدر خانم مصدق - وی تحصیل خود را در دوره ی دکتری ادامه داد اما آن را نا تمام رها کرد ، گویا فقط رساله خود را ارائه نکرده بود .

حمید مصدق از سال ۱۳۵۳ به بعد با عنوان وکیل دادگستری در تهران مشغول به کار شد و از طرف دیگر در مدارس عالی تهران به تدریس اشتغال ورزید از آن پس بود که به عضویت هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی در آمد و در دانشکده حقوق آن دانشگاه به تدریس پرداخت و تا پایان عمر در این سمت بود .

وی یک سال پس از اخذ درجه فوق لیسانس یعنی در سال ۱۳۵۱ با خانم باله خشکناهی ازدواج کرد . خانم لاله خشکناهی ، فرزند استاد رضا خشکناهی و برادر زاده استاد شهریار - شاعر معاصر هستند . حاصل این ازدواج دو فرزند به نامهای «غزل» و «ترانه» است .

که مصدق در شعری به نام «حاصل عمر» آنان را ستایش می کند . خانم سیمین بهبهانی در باره همسر مصدق می نویسد :
«لاله مثل برگ گل لطیف است و دوست داشتنی ، اما گاردان و عاقل ، خانه اش از نظافت برق می زند و دو دسته ی گلش ، دو نور چشمش ، را به خوبی تربیت کرده است . می گویند در زندگی هر مرد موفق یک زن خوب وجود دارد و لاله این گفته را ثابت می کند .

حمید مصدق با روحیاتی که داشت ، همواره به عشق اهمیت می داد و این نکته در اشعارش نیز به خوبی بازتاب دارد . آقای دکتر صنعتی به این جنبه در روایات حمید مصدق توجه کرده و می گویند:

« حمید دوست داشت که از این لحظات زندگی اش لذت ببرد به جای اینکه برای مرگ خودش گریه کند و سوگواری باشد ، و چیزی کمکش می کرد این کار را بکند وجود عشق بود - خیلی از به فرد خصامی بود . به شعر بود ، به هر حال اینها کمک می کرد بتواند هر اس از مرگ را شعرا اینگونه بودند- حتی اگر فرض باشد ... حمید عاشق بود . این عشق به زندگی او بود ، لاپوشانی کند »

بدین گونه آقای دکتر صنعتی در تحلیل روانشناسانه خود ، این عشق را نیز با نوعی هراس از مرگ پیوند می دهد . از اینروست که مصدق ناخود آگاه چنانکه آقای حقوقی می گوید همواره عاشق بود. آقای حقوقی می فرماید:

آدم بسیار عاشق پیشه ای بود ... ظاهراً در یک اردوی رامسر بود . که خانمش را دید . وقتی او را دید با او آشنا شد . شناخت که او دختر برادر شهریار است . این خانم نقاش هم بود . اینها با هم آشنا می شوند و بعداً منجر به ازدواج می شود . بعد هم خانه ای در همین کوی نویسندگان خرید و با او زندگی کرد و زندگیش روز به روز سر و سامان پیدا کرد و خانمش هم کاری می کرد و او هم به هر حال کار وکالت را ادامه داد .

خانم سیمین بهبهانی درباره مفهوم و ویژگی عشق در شعر مصدق می نویسد :
«عشقی که اگر نه بر سر هر کوی و گذر ، دست کم در میان دانشجویان و جوانان همسن و سال حمید شناخته است و هنوز هم در هنگامه میانسالی او گهگاه نقل محافل است و پیگیری همین عشق بی فرجام شاید جاذبه شعر مصدق را حمیدی وار فزون کرده باشد . اما در عشق او خودخواهی جایی ندارد و معشوق نه تنها آماج تیر تهمت و دشنام نمی شود بلکه برای همیشه چون تندیس مقدس در خلوت شعر او باقی می ماند .

شعر وی را در میان جوانان گسترش داده بوده است . در کنار مفاهیم سیاسی ، واقعیت همین است که این جنبه رمانتیک شعر او ، به واقع شعر او بیشتر شعر معناست و به همین دلیل ساخت و فرم در شعر او نیرومند نمی شود و این البته جای بررسی و بحث دارد .

به هر صورت از نظر جایگاه در طبقه بندی شاعران معاصر چنانچه گفته شد حمید مصدق شاخه اعتدال شعر نیما را که دنباله افسانه است اشغال می کند.

به هر صورت ، حمید مصدق با تمام فراز و نشیب هایش همواره در میان جوانان پذیرفته شده بوده است . این طبیعی است که هر سنی نیز در انسان اقتضای گونه ای از شعر و هنر را چنانکه استاد زرین کوب می فرمودند که من ممکن است در این سن از مولوی خوشم بیاید دارد . این یک ذوق است و ذوق نیز تابع قاعده و قانونی نیست و باید و نباید را نمی شناسد ، حتی یک نفر هم در دوره های مختلف زندگی ممکن است شاعران گوناگونی را بیسندد. اما کسی دیگر در سن و موقعیتی دیگر از شاعر دیگری خوشش بیاید ،

مقداری باز داشته بود می تواند کاملاً درست باشد ، اما به هر حال مصدق همین است که هست با تمام فرود و فراز ها و دوره این که فعالیت های شغلی او را از تعمق در هنر و ادبیات ، ها اما ادعای عظمت نیز نداشت .

چنانچه پیشتر نیز گفته شد مدتی به همراه اخوان در حال بررسی و کاروری رباعیات عطار بوده است . می دانیم که رباعیات عطار «مختار نامه» نام دارد . از نظر کارهای علمی و تحقیقی ، مصدق با همکاری آقای صارمی ، غزلهایی از حافظ تهیه کرده بود که چاپ نشده است همچنین غزلهای سعدی را نیز با همکاری آقای اسماعیل صارمی به چاپ رسانده است و رباعیات مولانا را نیز در سال ۱۳۶۰ چاپ و منتشر کرده است .

در نهایت سحرگاه هفتم آذر ماه سال ۱۳۷۷ بود که با سکه قلبی از این جهان رخت بر بست و آرام گرفت و در بهشت زهرا در قطعه هنرمندان و دانشمندان به خاک سپرده شد .

یادش جاوید.

مهدی یراحی ، بیست و سوم آبان ماه سال یک هزار و سیصد و شصت هجری شمسی در شهر اهواز متولد شد .
علاقه ی مهدی یراحی به آهنگسازی زمانی شکل گرفت که بین سال های ۱۰ تا ۱۳ سالگی ضمن شرکت در مسابقات تلاوت قرآن ، ناخودآگاه مجذوب موسیقی درونی آیه ها و آهنگ چینش کلمات بود .

بعدها ، دوران تحصیل در مقطع راهنمایی را در حالی سپری می کند که تلاش های جسته و گریخته اما صادقانه ای دارد برای حضور در دنیای موسیقی ، با این همه طی کردن دوره ی آموزش تنوری تحت نظر علی کسرانی که تنها معلم موسیقی اش بود ، سرآغازی می شود تا علاقه اش را به صورت جدی تری پیگیری کند ؛

مهدی یراحی هم چنین نواختن سازهای گیتار و پیانو را کاملا تجربی فراگرفته و در نوازنده گی آنها مسلط است .
مهدی یراحی در سال ۱۳۷۹ تصمیم می گیرد تا برای همیشه به پایتخت نقل مکان کند ، سالی که هم زمان می شود با خلقت آلبوم هجرت که بعدها به خاطر سخت گیری های شخصی اش برای ارائه دادن یک مجموعه ی مطلوب و تاثیر گذار از آثارش و بروز برخی مشکلات از جمله عدم اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت ، هرگز فرصت حضور در بازار موسیقی مجاز را پیدا نمی کند و برای همیشه نشنیده باقی می ماند ؛

اتفاقی که در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ نیز مشابهاً برای آلبوم های تازه اش رخ می دهد کما اینکه وسواس و عقیده اش مبنی بر احترام گذاشتن به شعور شنیداری مخاطب _ بر خلاف جریان عرف _ باعث می شود سبک ارزشمند تری از موسیقی پاپ را تجربه کند ، مهدی یراحی سر انجام در زمستان یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج تلاش می کند تا مجموعه ای از بهترین آثارش را برای آلبوم من رها کن آماده کند ، آلبومی که بعد از گذشت سه سال و در سال ۱۳۸۹ به اتمام می رسد تا به زودی شاهد انتشارش باشیم ... ؛
ناگفته هائی از مهدی یراحی

مهدی یراحی از مادرش به عنوان اولین حامی حضورش در موسیقی نام می برد و در ادامه ی راه از حمایت های پدر نیز بهره مند بوده است .
برای درک بهتر ملودی ساختن ، به سادگی پایبند بوده است . می گوید ملودی ها معمولا در تلاقی آثار شنیده شده و احساسات شخصی آهنگساز جان می گیرند و با اینکه ، اکثر ملودی هایش را بر اساس ترانه می سازد ، گاهی اوقات ترانه نویسی بر اساس ملودی اش را نیز به ترانه سرا پیشنهاد می دهد .

به عنوان جریانی به شدت تاثیر گذار بر آهنگسازی اش یاد می کند و از آثار ونجلیز که اسطوره ی the wall از موسیقی ارانه شده توسط گروه پینک فلوید به خصوص آلبوم ملودی سازی اش است به شدت لذت می برد . اعتقاد دارد که ونجلیز ، موسیقی را با زبانی ساده اما بسیار عمیق عرضه می کند .
به خاطر اجرای نه چندان خوب برخی آثارش توسط خواننده هایی که در زمینه ی آهنگسازی و تنظیم همراهی شان کرده ، همیشه افسوس می خورد .
آوای استاد محمدرضا شجریان ، فرهاد مهراد ، ابراهیم حامدی ، داریوش اقبالی ، معین ، فریدون فروغی و مرحوم هایده را بسیار می پسندد ، هم چنین ام کلثوم و عبدالحلیم .
حافظ را که از بزرگترین خوانندگان موسیقی عرب هستند

مهدی یراحی در سال های دور به رشته ی کارگردانی علاقه مند بوده و هم چنین فیلم نامه نویسی را تا سطوح بالا پیگیری کرده است .
مطالعه کردن ، بخش اجتناب ناپذیر برنامه های مهدی یراحی را تشکیل می دهد و آثار دکتر علی شریعتی و پائولو کولئو از کتاب های محبوبش هستند .

biography
Siamak abbasi



سیامک عباسی

دانش آموخته ی رشته های "موسیقی" و "مدیریت فرهنگی"
دانشجوی مقطع دکتری در رشته ی "زبان و ادبیات فارسی" با گرایش "ادبیات غنایی"
ترانه سرا، آهنگساز، تنظیم کننده و خواننده
دارای پیشینه ی تدریس در دانشگاه علمی - کاربردی ایران

از نوجوانی در دنیای شعر قدم می زدم، ترانه سرایی را خیلی زود شروع کردم و زبان خود را نیز زود به دست آوردم. در ابتدای ورود به دبیرستان، با ساز گیتار آشنا شدم و پس از آن به نوازندگی گیتار در گروه های موسیقی تلفیقی پرداختم. هم زمان با ورود به دانشگاه موسیقی و فراگیری موسیقی آکادمیک؛ به عنوان صدابردار در استودیوهای حرفه ای به صدابرداری مشغول شدم موسیقی الکترونیک را نیز به صورت حرفه ای، علمی و عملی دنبال کردم به طوری که به مدت دو سال این عنوان درسی را (در رشته ی موسیقی) در دانشگاه علمی - کاربردی تدریس کردم

پس از فراغت از تحصیل در رشته ی موسیقی و از آن جا که همیشه مقوله ی فرهنگ و مشتقاتش یکی از دغدغه های اصلی ام محسوب می شد، به تحصیل در رشته های مدیریت فرهنگی و علوم ارتباطات اجتماعی پرداختم. رشته هایی که مجموعه ای از علایقم، اعم از ادبیات، موسیقی، جامعه شناسی، رسانه، روزنامه نگاری، مخاطب شناسی و... را در خود جای می دادند. پس از فراغت از تحصیل در این رشته ها، به تحصیل در رشته ی ادبیات فارسی روی آوردم، رشته ای که مدت ها در آن فعالیت مستمر داشتم.

ترانه سرایی، آهنگسازی، تنظیم و خوانندگی؛ زمینه های فعالیت هنری ام محسوب می شود.

در حال حاضر در کنار تحصیل در رشته ی زبان و ادبیات فارسی در مقطع دکتری، در حال تهیه و تدوین نخستین آلبوم رسمی خود می باشم که به زودی به گوش علاقه مندان خواهد رسید.



A photograph of a violin and its bow resting on a wooden plank surface. The violin is positioned on the left side of the frame, and the bow lies horizontally across the middle. The text is overlaid on the right side of the image, following the curve of the bow.

بنیان گذار موسیقی پاپ در ایران



موسیقی پاپ در ایران حدوداً از سی سال پیش به صورت مجاز و جرعه ای آغاز به کار کرده و تا امروز رشد قابل توجهی در آن میتوان شاهد بود اما همچنان عده ای بر این باورند که موسیقی ده ۷۰ ما بهترین دوره ی موزیک کشور بوده و عوامل اصلی برای عدم تکرار و ادامه ی آن تنها خوانندگان جدید هستند که گرچه سبک های جدیدی را روانه بازار موسیقی ایران کردند اما تراوت آن زمان را هرگز به وجود نیاوردند.

اما با وجود این میتوان گفت که همه ی این خوانندگان مدعیون نسلی هستند که اگر آن ها نبودند الان نمیتوانستند به راحتی در ایران کار کنند اما بحث اصلی این روز های اهالی موزیک این است که بنیانگذار موسیقی پاپ در ایران بعد از انقلاب چه کسی است ماجرا از آن جا شروع شد که خبر اولین خواننده ی ایران به گوش همه رسید و موج انتقادات مردم و خوانندگان شروع شد طی ابللاغ رسمی از این خبر که اولین خواننده ی مجاز ایران امیر تاجیک بوده !!!

اما مسئله اصلی اینجاست که همه ی ما میدانیم که بین امیر تاجیک - محمد اصفهانی و شادمهر عقیلی تنها کسی که نامش برای اولین خواننده میدرخشد کیست شادمهر عقیلی که به گفته ی اکثر مردم او بود که با رفتنش زمینه را برای موزیک پاپ فعلی آماده کرد و خود را الگوی دیگر خواننده ها قرار داد اما به دلیل اطلاع نادرست از تک ستاره موسیقی ایران تمامی وب سایت های موزیک به همراه خوانندگان و کارشناسان دست به اعتراض زدند و باعث لغو این خبر شد که باعث بحث های بیشتر گردید .

آلبوم یه کاری کن از امیر نیازی

یکی از موفق ترین آلبوم های سال ۹۵ این آلبوم میباشد به کار گیری از ترانه های جدید و سازهای زنده و خوب باعث شده که مخاطب از این آلبوم لذت زیادی ببرد

این آلبوم درای ۱۱ قطعه زیبا میباشد که حال هوای هر ترک با اهنگ دیگر متفاوت میباشد.

آهنگساز

امیر نیازی
علی دانافر
امیر نیازی
امیر نیازی
امیر نیازی
امیر علی باقری
امیر نیازی
امیر علی باقری
امیر نیازی
امیر نیازی
نیما احسانی

ترانه سرا

مبینا علیفر
مبینا علیفر
رویا مینا فرد
سارا مدنی
امیر نیازی
امیر علی باقری
نگار
امیر نیازی
الناز بهادری
امیر نیازی
مانی رادمنش


قطعه

۱ - دارم از یاد تو میرم
۲ - سکوت
۳ - یه کاری کن
۴ - عاشقت بودم
۵ - سو تفاهم
۶ - من و تو
۷ - نگو بی تو
۸ - دوستت دارم
۹ - میدوستی
۱۰ - عشق اون
۱۱ - نمیزارم تنها شی

AMIR NIAZZI YE KARI KON


PRODUCTION MANAGER : NIMA EHSANI
WWW.AMIRNIAZZI.COM/COMING SOON
INSTAGRAM/AMIRNIAZZI
PHOTO BY:GROUP FARA

LYRIC : MANI RADMANESH – MOBNA ALIFAR – AMIR NIAZZI
MUSIC : NIMA EHSANI – AMIR NIAZZI – SAMAN AFRIANI
PRODUCTION MANAGER : NIMA EHSANI
MIX AND MASTERING : AMIR NIAZZI

 AMIRNIAZZI

ظبط و میکس تمامی قطعات استودیو روبیا
میکس و مسترین تمامی قطعات : امیر نیازی
گرافیک : علی ایمانی
عکس : گروه طراحی و ایده پردازی فارا
مدیر اجرایی: نیما احسانی
اسپانسر مالی آلبوم دیزاین مدرن
تهیه کننده : علیرضا رحمانی

STUDIO ROBIA / RECORD THE ALL MUSIC
GROUP FARA THE IMAGE THE ALBUM

A simple wooden bench with a curved backrest and a flat seat, made of dark wood. It is positioned on a grassy hillside. The background is a soft, misty landscape with bare trees and a hazy sky, creating a melancholic and reflective atmosphere.

نیمکت کهنه باغ
خاطرات دورش را
در اولین باران زمستانی
از ذهن پاک کرده است
خاطره شعر هایی که هرگز نسروده بودم
خاطره اوازهایی را که هرگز نخوانده بودی

کتاب آشنایی همگان با نظریه ساختاری موسیقی ایران

با مطالعه کتاب‌های موسیقی ایران، پرسش‌های اساسی مطرح می‌شود که به نظر می‌رسد پاسخ مناسبی برای آن‌ها در کتاب‌های موسیقی، حداقل برای نویسندگان این کتاب، وجود ندارد؛ مانند چرا دستگاه نوا وابسته به دستگاه شور است؟ چرا دستگاه راست پنجگاه وابسته به دستگاه ماهور است؟ چرا آوازهای ابوعطا، بیات ترک (زند)، بیات کرد، دشتی، و افشاری وابسته به دستگاه شور است؟ چرا استادی چون شهنازی آواز اصفهان را وابسته به دستگاه شور می‌داند و استادان دیگر آن را وابسته به دستگاه همایون می‌دانند؟

برای یافتن پاسخ دقیق و علمی این پرسش‌ها به نظر رسید روشی به دست آید که بتوان اطلاعات مربوط به هر گوشه در ردیف موسیقی را با چشم دید و از روی این مشاهده‌ها بتوان راز و رمز نهفته در گوشه‌های ردیف را به دست آورد. فرض مهمی که در آغاز این پژوهش مورد قبول و باور بود آن بود که پایه‌گذاری موسیقی ایران توسط نوابغ این سرزمین، در طول زمان، به احتمال از زمان اوج موسیقی ایران در زمان ساسانیان شکل گرفته است. بنابراین باید برای درک راز و رمزهای آن بسیار کوشید تا بتوان به آن‌ها دست یافت. برای این منظور با استفاده از ریاضی ساده همه نت‌ها در گوشه‌ها به ارقام، برابر کنشش زمانی آن‌ها نسبت به نت سیاه، تبدیل شده و نمودار هر یک از گوشه‌ها در ردیف جداگانه و دقیق رسم شده است. دیگر آنکه سعی شده همه اطلاعاتی که در گوشه وجود دارد به نحوی قابل دیدن باشد؛ به‌خصوص ردیف نت‌های استفاده‌شده در گوشه‌های ردیف، که خود مهم‌ترین منبع پیدایش راز و رمز موسیقی ایران تشخیص داده شده است.



سعید شهبروز – طعنه

آهنگ طعنه از این البوم یکی از ماندگارترین قطعات بعد از انقلاب میباشد و از محدود کارهای او بود که در صدا سیما البته بعد از حدود ۳ سال مجوز پخش گرفت و چندین بار پخش شد. شاید بتوان گفت فروش دو میلیونی آلبوم "غزلک" به نوعی مدیون این قطعه بود که بسیار همه گیر شده بود.

شادمهر عقیلی – پر پرواز

نایفه موسیقی پاپ ایران قطعات ماندگار بسیاری دارد اما "پر پرواز" به واسطه تنظیم بسیار زیبا، ترانه ی منسجم و اجرای خوب شادمهر برای همه ما خاطره ساز بوده است. ترانه این کار را "نیلوقر لاری پور" سروده و تنظیم آن بر عهده "محمدرضا چراغعلی" بوده است. این قطعه بدون شک یکی از ماندگارترین قطعات منتشر شده پس از انقلاب است.

ناصر عبداللهی – منو ببخش

قطعه ای فراموش نشدنی از مرحوم ناصر عبداللهی که بی شک نتوانست مزد زحمات خود را بگیرد. ترانه این قطعه را "فرید احمدی" سرود و بنیامین بهتدیری و نیما وارسته کار آهنگسازی و تنظیم آن را بر عهده داشتند. هر چند ناصر با قطعات ماندگار بسیاری داشت اما "منو ببخش" هنوزم که هنوزه مورد استقبال قرار می گیرد.

امیر تاجیک – زیر آسمان شهر

امیر تاجیک تپهر خامی در خواندن کارهای مناسبی و تیتراژ دارد و این را بارها ثابت کرده است. این قطعه نیز از آن جمله قطعاتی است که هنوزم که هنوزه جا در دل مخاطبان دارد. قطعه ای با مضمون اجتماعی که تیتراژ سریال "زیر آسمان شهر" بود.

گروه آریان – پرواز

باسابقه ترین گروه موسیقی داخل ایران سالهای متعددی در سطح اول موسیقی پاپ فعالیت می کرد و قطعه "پرواز" از جمله آن قطعاتی بود که به سرعت جا در دل مردم باز کرد و حتی در کنسرت آبان ماه سال گذشته این گروه نیز با استقبال بسیار خوب هوادارانشان رو به رو شد.

حمید حامی – دلم گرفت


اگر بگوییم مخاطب عام موسیقی "حمید حامی" را تنها با این قطعه می شناسد بی راه نگفته ایم. ترانه ای با موسیقی فوق العاده زنده یاد "بابک بیات" که در فیلم "سام و نرگس" گنجانده شده بود و باز خورد فوق العاده ای داشت. "دلم گرفت" پس از گذشت چند سال از انتشارش هنوز هم میان عموم مردم محبوب است و پای ثابت کنسرت های حمید حامی است.

نیما مسیحا – پروانگی

اوج صدای "نیما مسیحا" در این قطعه پدیدار شد. موسیقی این تراک را نیز زنده یاد "بابک بیات" ساخته بود و استفاده از آن در یک فیلم سینمایی باعث بیشتر شنیده شدن این قطعه شد. "پروانگی" چند سال پس از اکران فیلم سینمایی "دست های آلوده" با کیفیت اصلی منتشر شد.

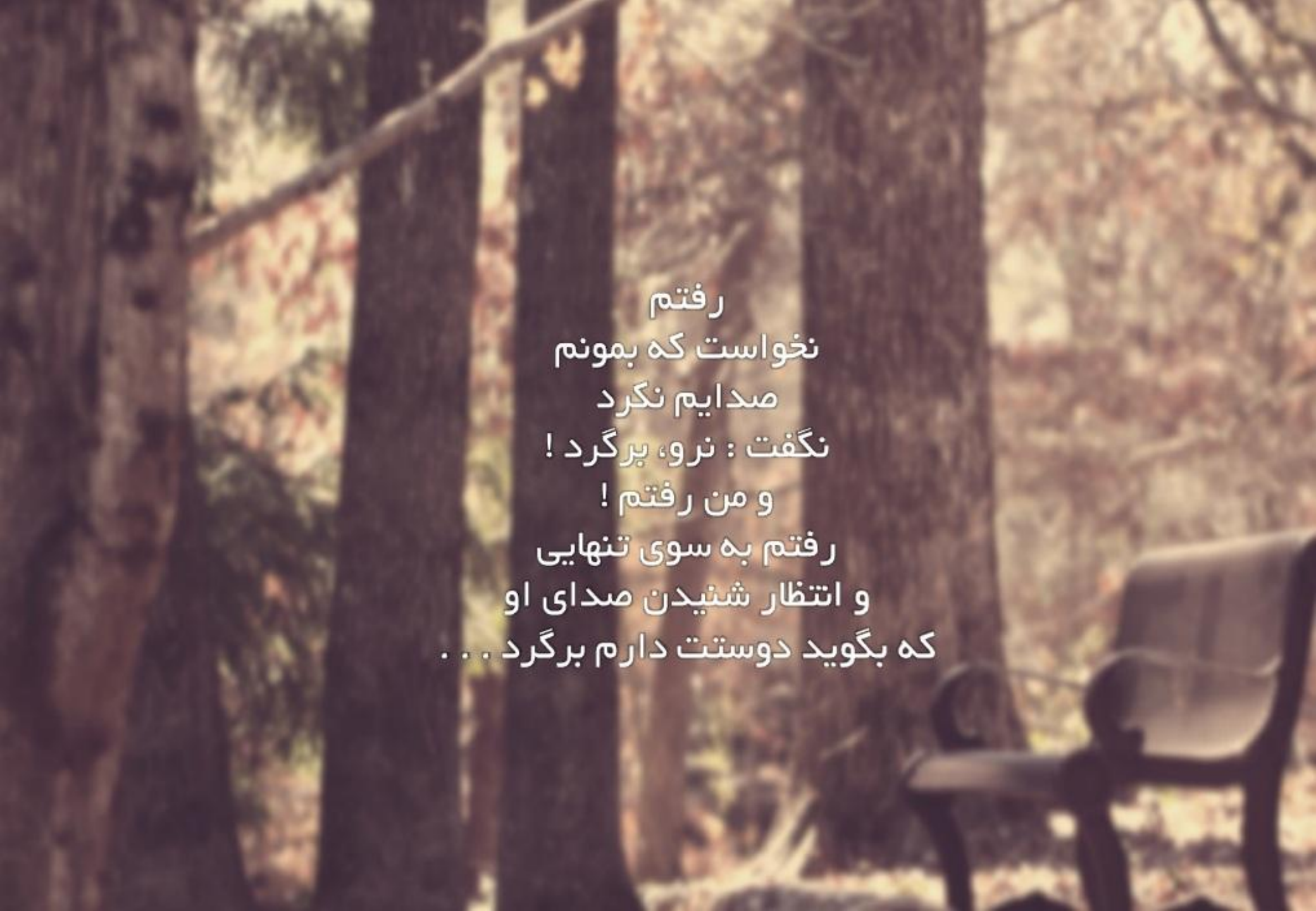
مانی رهنما – قاب عکس

قطعه ای با ترانه "بابک محرابی" و موسیقی مرحوم "بابک بیات" که مورد استقبال اهالی موسیقی قرار گرفت. بابک بیات طی چند مصاحبه عنوان کرده بود که این قطعه یکی از بهترین کارهایی است که وی از بعد انقلاب ساخته است..



فرزاد فرزین متولد سوم تیرماه ۱۳۶۰، موسیقی حرفه ای را در سال ۱۳۷۷ با «گروه کروژ» شروع کرد. اقا به دلایل شخصی گروه را به قصد کار کردن روی آلبوم اول خود (شراره) ترک کرد. تـسـدارک «شراره» سه سال به طول انجامید و آلبوم در سال ۱۳۸۳ منتشر شد. آهنگسازی قطعه‌های شراره بر عهده خود فرزاد، «یاشار صباحی» و «علی ثابت» بود و ارژنگ حقانی آن را تنظیم کرده بود.

در چند سال اخیر کنسرت های بسیار متفاوت و خوبی با کارگردانی کیوان ملک مطیعی برگزار کرد که بسیار مورد توجه مردم و اهالی موسیقی قرار گرفت تا با این کار سطح کنسرت های موسیقی پاپ داخل کشور را تا حد بسیار زیادی بالا ببرد .

A photograph of a park bench in a forest. The bench is on the right side of the frame, and the background is filled with trees and autumn foliage. The lighting is warm and golden, suggesting late afternoon or early morning. The text is centered in the middle of the image.

رفتم
نخواست که بمونم
صدایم نگردد
نگفت : نرو، برگرد!
و من رفتم!
رفتم به سوی تنهایی
و انتظار شنیدن صدای او
که بگوید دوستت دارم برگرد...



مصاحبه اختصاصی با

afshin amini

MOSAHEBE EKHTESASI MAHNAME TAK TARANEH

آقای امینی خوانندگی رو از چه سالی شروع کردید؟

سالهاست از بچگی با منه

تاریخ تولد؟

آبان ۶۲

بارزترین ویژگی اخلاقی:

طبق گفته دوستانم مهربون و با احساس

ترانه/شاعر محبوب:

اردلان سرفراز و روزبه بمانی

بهترین دوران زندگی:

کودکی

آهنگ / آهنگساز محبوب:

زیاد هستن

تعطیلات آخر هفته؟

جایی که حس آرامش داشته باشم

تعریف دوست داشتن تو یه جمله:

دوست داشتن نباشه زندگی به معنیه

سازی که وقتی میزنید و به آرامش میرسید کدوم سازه؟

من از ۹ سالگی ویلن میزنم و این روزا گیتار و کمی هم پیانو

خواننده/بازیگر محبوب:

خیلیا تو مقاطعی خوب بودن ولی بازیگر معروف پرویز پرستویی

پراسترس ترین لحظه زندگیتون؟

استرس که همیشه توو هر مقطعی با انسان هست

پرطرفدارترین اهنگتون؟

نمیدونم واقعا ولی یادت میاد ، جور با منی ، رفتی که رفتی ، به خاطر یکی دیگه

اگه قرار باشه یه جمله به هوادار ا بکیدی؟

من واژه دوست و جایگزین میکنم و به همشون بسیار احترام میزارم و خیلی دقت میکنم به نظرا و انتقاداشون ...

حرف اخر

ایشالا دیدن دوستای واقعیم تو سالن و یه اجرای با احساس واسه همشون

مازیار فلاحي متولد ۲۶ مهر ماه ۱۳۵۳ تهران

وی نوازندگی گیتار را از سال ۱۳۶۸ آغاز نمود. در سال ۱۳۷۱ در رشته مهندسی صنایع وارد دانشگاه شد. همزمان در مرکز آموزشهای هنری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره کارگردانی سینما را در سال ۱۳۷۴ با رتبه عالی به پایان رسانید. در سال ۱۳۸۰ به عضویت گروه کر دانشگاه تربیت مدرس به رهبری " الیپس مسیحی " درآمد. تنوری موسیقی، سلفژ، ارکستر اسپون و موسیقی مکتوب را نزد استادش حمیدرضا دیبازر به مدت ۶ سال متوالی فرا گرفت. در همین حال به عضویت گروه کر بهمن به رهبری " مهدی قاسمی " درآمد. دروس آواز جمعی و تکنیکهای آواز را نزد " نازبه چولکیان " و " شقایق الهیاری " گذراند. گیتار کلاسیک را نزد سرکار خانم " فرزانه رجایی " و خانم " آیلین ارجمند " و نوازندگی پیانو را نزد " علیرضا حشمتی افشار " ادامه داد.

در اسفند ماه ۱۳۷۶ به دعوت " قاسم جعفری " آهنگ ها و ترانه های فیلم " مجنون لیلی " را نوشت که آغاز فعالیت خوانندگی رسمی وی در عرصه سینما و موسیقی میباشد ...
از جمله کارهای دیگر وی میتوان به موارد زیر اشاره کرد :

ساخت موسیقی متن ، ترانه ها و خوانندگی فیلمهای دو را حل برای یک مساله (به سفارش یونیسف) ، مدرسه ای برای دیگران ، نبش قلب ، ققنوس (تلویزیون) ، تیتراژ سریال لحظه دیدار (شبکه جام جم) ، فیلمهای بدنبال خوشبختی، دلواپسی بی ستاره، سر سپرده (هدایت فیلم) ، تیتراژ فیلم سینمایی دختران و سریال قلب یخی اشاره کرد موسیقی متن فیلم سینمایی پروانگی آخرین کار اوست.



آوا و موسیقی سالها قبل از آن که بشر کلام و بیان را بیاموزد وجود داشته است. پرندگان، درخت، دریا، حیوانات و حتی پاییز، هر جایی از طبیعت، یک موسیقی منحصر به فرد و مخصوص به خود را دارد .

شما با شنیدن یک موزیک شاد، خوشحال می‌شوید و با شنیدن یک موزیک غمگین ممکن است ناراحت شوید. آیا موسیقی می‌تواند در بروز یا بهبود بیماریها در انسان موثر باشد ؟

تحقیقات نشان داده است که موسیقی به شدت بر جسم و روان انسان تاثیر گذار است.

در حقیقت یک شاخه جدید از علم به نام موسیقی درمانی، معرفی شده است که در آن از موسیقی برای درمان بیماریها استفاده می‌شود.

موسیقی درمانی به خصوص در مورد بیماران مبتلا به سرطان، کودکان مبتلا به بیش فعالی و سایر بیماریها موثر بوده است و برخی از بیمارستانها از موزیک برای کمک به کنترل درد، از بین بردن افسردگی و کاهش تنش در عضلات استفاده می‌کنند .

این موضوع عجیب و پیچیده ای نیست و موسیقی می‌تواند از راههای مختلفی بر بدن انسان اثر بگذارد . برخی از آنها عبارتند از :

موسیقی و امواج مغزی :

تحقیقات نشان داده است که موسیقی می‌تواند امواج مغزی را با خود همراه کند بطوریکه هر نوع از موسیقی، باعث می‌شود که امواج مشابه با آن در مغز ایجاد شود .

ضربه‌های تندتر در موزیک باعث افزایش دقت و تمرکز می‌شوند و گامهای آهسته تر باعث آرامش بیشتر می‌شوند. همچنین مشخص شده است که اثر موسیقی بر مغز انسان حتی پس از قطع شدن آن نیز ادامه دارد .

موسیقی و تنفس و ضربان قلب :

با ایجاد تغییر در امواج مغزی، عملکرد سایر اعضای بدن نیز تغییر می‌کند . این تغییرات توسط سیستم اعصاب خودکار (سمپاتیک و پارا سمپاتیک) اعمال می‌شود. و این نوع دستگاه عصبی می‌تواند تنفس و ضربان قلب را تند تر یا کند تر کند .

بنابر این موسیقی می‌تواند از آثار مزمن استرس ها بر بدن پیشگیری کند .

اثر بر ذهن انسان :

موسیقی می‌تواند باعث ایجاد تفکر مثبت در ذهن انسان شود و به همین دلیل می‌تواند در درمان افسردگی و اضطراب موثر باشد .

موسیقی می‌تواند جلوی آثار مخرب استرس را بر بدن بگیرد و می‌تواند قدرت خلاقیت و خوش بینی را افزایش دهد .

رابطه موسیقی و هوش

در یک مطالعه، تاثیر موسیقی در ارتقا، ضریب هوشی مورد بررسی قرار گرفت. دانشمندان دریافتند که کورتکس بخش صوتی (شنیداری) نیمکره راست

موسیقی‌دان‌ها نورون‌های خاکستری بیشتری نسبت به افرادی که موسیقی‌دان نیستند دارد. دانشمندان تصور می‌کنند چنین تفاوتی نمی‌تواند ژنتیکی باشد و تنها می‌تواند در اثر تکرار و استفاده از این نقاط مغز اتفاق افتاده باشد.